

۳۳۵۹

۱۵۴

۱

۲

جنگ اراده‌ها

حجت میرزاده



دشمن ترستی و طنا هواها

فدائیان تنها با نابودی صهیونیسم نجات یسرانی کمتر

بلکه

سرشناسه: میرزاده، حجت،
عنوان و پدیدآور: جنگ اراده‌ها: معرفی کامل و کوتاه صهیونیسم و جنایاتش در فلسطین و معرفی راه

تبیات/ تألیف حجت میرزاده

مشخصات نشر: قم: راه سبز، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.

شابک: 978-964-2618-12-5

وضعیت فهرست نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: صهیونیسم

موضوع: صهیونیسم - تاریخ

موضوع: فلسطین - تاریخ

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ج ۹ / م ۹ / DS۱۴۹

رده بندی دیویی: ۹۵۶/۹۴۰۰۱

شماره کتابشناسی: ۲۸۷۵۸۲۷



E - Mail : Rah-esabz@yahoo.com

جنگ اراده‌ها

مؤلف: حجت میرزاده

ناشر: راه سبز

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۲۰۰۰

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۶۱۸ - ۱۲ - ۵

بخش مرکزی: ۵۸۰۶ ۵۶۱ ۰۹۱۰

فهرست

۷	مقدمه / درد دل
۱۳	بخش اول: شناخت صهیونیسم
۱۵	۱. بدایی صهیونیسم از دین یهود
۱۹	۲. ویژگی‌های یهودیان صهیونیسم
۱۹	۱. تحریف دینی
۲۱	۲.۲.۲. نژاد پرستی
۲۳	۲.۳. سلطه جهانی
۲۸	۲.۴. دنیا طلبی
۳۱	بخش دوم: اقدامات و جنایات
۳۳	۱. اقدامات ضد دینی
۳۵	۲. سیطره رسانه ای
۳۹	۲.۱. سیطره بر رسانه‌های آمریکا
۴۰	۲.۲. سیطره بر رسانه‌های انگلیس
۴۲	۲.۳. سیطره بر رسانه‌های فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی
۴۲	۳. نفوذ در دولت‌ها
۴۶	۴. ایجاد تفرقه
۵۰	۵. فعالیت برای مهاجرت هرچه بیشتر یهودیان
۵۱	۴.۱. همکاری با نازیسم
۵۸	۴.۲. افسانه هولوکاست
۵۹	۴.۲.۱. انگیزه‌های طرح هولوکاست
۶۲	۴.۲.۲. مخالفان هولوکاست
۶۵	۴.۲.۳. دلایل منکران هولوکاست

۶. غصب سرزمین فلسطین ۷۰
- شروع فاجعه قرن / داستان مردم فلسطین ۷۱
- آغاز درگیری ها، دست های پشت پرده ۷۲
- روایات سوسیالیستی، واقعیت استعماری ۷۴
- طغیان فلسطینی ها ۷۹
- صهیونیسم رو به آمریکا می آورد ۸۲
- مسئله فلسطین بین المللی می شود ۹۲
- حکم ساربان ملل ۹۵
- جنگ سال ۴۸ ۹۶
- نقشه دالمر ۹۸
- اعلام رسمیت دولت ۱۰۲
- اوج مظلومیت ۱۰۵
- تبعید، تلخکامی ورنج ۱۰۸
- تغییر میادلات؛ سازمان آزادی بخش فلسطین ۱۱۴
- امام خمینی (ره) و مسئله فلسطین ۱۱۷
- بخش سوم : راه نجات ۱۲۱
۱. جامعه و قدرت ۱۲۳
۲. غفلت و فریب ۱۲۵
۳. قدرت در خدمت جامعه ۱۴۰
۴. نتیجه ۱۴۹

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه / ۱۰۱ دل:

هدف از این نوشتار آنکه از سه بخش تشکیل شده (این است که مردم جهان، "چهره واقعی صهیونیسم را، این جرثومه فساد که نه تنها دشمن اسلام و مسیحیت بلکه دشمن تمام ادیان است، و دشمن اخلاق و انسانیت است را، بهتر بشناسند" و "با اقدامات و جنایات آن در سطح جهان مخصوصا در فلسطین آشنا شوند"، و "بتوانند برای ادامه حیات خود و نجات بخشیدن به جامعه آرمانی خود، راه درست و بهترین راه را انتخاب کنند".

با مطالعه این کتاب تا حد زیادی به ماهیه واقعی صهیونیسم پی خواهید برد. اما اگر بخواهیم ماهیت صهیونیسم را در یک کجما بیان کنیم، باید بگوییم: «صهیونیسم یک خدعه آشکار با پوششی از افسانه‌های مذهبی پوچ است، به قصد تجاوز».

صهیونیسم؛ وسیله یک تجاوز است، برای رهایی از شرمندگی و تاریستی وجدان؛ سالها و سالها «یهودی‌ها در غرب» در اثر ارزشهای مادی خود که دین و سفته بازی و رباخواری است، مورد تنفر اروپایی‌ها بودند. و آخرین رویداد تاریخی از اقدامات تمدن غرب، حمله فاشیسم به یهود اروپا بود^۱. و این برای صهیونیست‌ها دستمایه‌ای بود که جبران این جنایات موهوم^۲ را از اروپا و کلیسای سرتاپا فاسد آن

^۱ اشاره دارد به اقدامات نازی‌های آلمان علیه یهودی‌ها.

^۲ صهیونیست‌ها با جعل افسانه هولوکاست ادعا میکنند جنایات زیادی علیه یهودی‌ها توسط نازی‌های آلمان صورت گرفته است. دلایل بطلان این ادعا و تفصیل مطلب را میتوانید در بخش دوم کتاب تحت عنوان همکاری با نازیسم و جعل هولوکاست مطالعه فرمایید.

بخواهد ، اما در کجا ؟ نه در اروپا ، بلکه در سرزمین فلسطین و با چه قیمت ؟ نه به قیمت محرومیت جلادان اروپا بلکه به قیمت متلاشی کردن زندگی مردم فلسطین . آیا اروپا ، فقط به یهودی ها ظلم کرده بود ؟ آیا صدها میلیون مردم آسیا و اروپا در سلطه استعماری اروپا و آمریکا قرار نداشته و ندارند و این فقط یهودیها بودند که در اروپا تافته جدا بافته بودند ؟ آیا "نظام بردگی اروپا و آمریکا" و "قتل و کشتارهای ده ها جایی آنها در مستعمرات" و "نابودی فرهنگ و هنر بومی این قاره ها" و "غارت تمامی ذخایر مادی و معنوی این مردم" چیزی کمتر از ظلمی بود که بر یهودی ها در بار داشته بود ؟

و صهیونیسم (به شکل تازه ای از فاشیسم) ، این چنین مدعی میراث توراتی یهود بر سرزمین فلسطین است ؟ و این میراث توراتی چه بود ؟ رانده شدن یهود و ویرانی معبد سلیمان به دست رومی . و یهود رانده شده کجا رفت ؟ و میلیون ها میلیون انسان رانده شده در مسیر هجوم نازی ها ، آریخ به کجا رفتند ؟ و امروز اگر هر یک از آنها ، به وجود میراثی از این هجوم و رانده شدن های گذشته ، اصرار می کردند دنیا به چه صورتی در می آمد ؟

و آیا یهودیانی که امروز در سراسر جهان رانده اند بطور مستقیم فرزندان همان کسانی هستند که در بیش از دو هزار سال قبل از زاری ، دیوارهای معبد سلیمان فرار کرده بودند ؟ و آنکس که در هزاران کیلومتر فاصله از فلسطین زندگی می کند (و هرگز خط اتصال و ارتباط خود را با فلسطین جز در انبیا ، اسطوره ها نمی شناسد) بر آنکس که در فلسطین خانه و زندگی دارد و پدران و اجداد او همان در فلسطین زاده و پرورده شدند حقی برتر دارد ؟

و اروپای "رها شده از فاشیسم" به بهانه اقدامات نازی ها به این ترتیب دین خود را به صهیونیسم ادا می کند . با پس کشیدن ظاهری از پایگاه های استعماری خود (یعنی صهیونیسم) ، در قلب خاورمیانه پاسگاه مقدمی را تأسیس می کند که همه نیروی سرمایه داری و سیاسی یهود در پشت این پاسگاه استعمار می ایستند ؛ و در خط نحس یک اسطوره ، و پس از صدها سال تحقیر ، (تحقیر بر خاسته از فطرت رباخواری و سفته بازی) اسرائیل بوجود می آید .

ماموریت اسرائیل فقط تسلط بر فلسطین نبود؛ بلکه اسرائیل پاسگاه خط اول جبهه استعمار است؛ جاسوس‌ها و عمال اسرائیل با کمک سرویس‌های جاسوسی غرب، همه منطقه را زیر نظر دارند؛ در زیر پرده با همه نظام‌های ارتجاعی خاورمیانه عربی و غیر عربی همکاری می‌کند و با فرهنگی غربی و با دسترسی به تکنولوژی پیشرفته، یگه‌تازی، کند و در هر برهه‌ای از زمان تکه‌ای از خاک خاورمیانه را با چنگ و دندان جدا می‌کند. هر چه را که بخواهد، با خشونت و وقاحت و به کمک گروه‌های فشار یهودی و ارتجاعی امریکا می‌گیرد و به هیچ سازشی جز آنچه خودش می‌خواهد تن در نمی‌دهد.

اسرائیل در ۱۹۴۸ با ۶ درصد از مجموع خاک فلسطین طبق طرح مصوبه در سازمان ملل بوجود آمد و ۴۳ درصد از بقیه خاک فلسطین می‌بایست به اعراب فلسطین واگذار شود و در آن روزگار در دولت صهیونیستی یهود (همان ۵۶ درصد) ۴۹۸ هزار یهودی و ۴۹۷ هزار عرب مسلمان و مسیحی فلسطینی امت داشتند اما صهیونیست‌ها به این قانع نبودند و بعد از چند سال نه تنها خاک فلسطین را بلعیدند بلکه قسمتی از سوریه را در بلندی‌های هرمون و جولان و قسمی از مصر را در صحرای سینا و همچنین جنوب لبنان را به دستگیری یاران مسیحی خود و کامیل شمعون دلال سرمایه‌داری غرب در خاورمیانه به چنگ آوردند. و تازه این بس نیست. بسیار کوچکی از رویای صهیونیسم است که از فرات تا نیل (و بلکه هر جایی از دنیا که پاهای سربازان‌شان به آنجا برسد) را در برمی‌گیرد!!

ایا اسرائیل می‌تواند در تنگنای جغرافیائی و در پوچی ادعاهای توراتی خود در اطراف خویش دولت‌های متمدنی و مستقل اعراب را ببیند؟ آیا وجود نظام‌های متمدنی و مستقل که به دنبال تأمین مصالح توده‌های محروم و غارت‌زده باشد، مغایر با منافع جهان‌خواران و غارتگران بین‌المللی نیست؟ و آیا وظیفه اسرائیل و صهیونیسم در قلب

خاورمیانه، پاسداری و نگهداری از منافع غارتگران جهانی (که صهیونیسم بین المللی خود بخشی از آن است) نمی باشد؟

با توجه به این واقعیت، اهمیت انقلاب فلسطین آشکار می شود؛ انقلابی که در ظاهر حامل یک فاجعه است ولی در باطن مایه یک دگرگونی اساسی را در خاورمیانه تخمیر می کند.

فلسطینیان تنها با نابودی صهیونیسم نجات پیدا نمی کند بلکه خداوندان نفت که اکنون «میلاردها دلار» درآمدهای بادآورده را در حسابهای خصوصی خود می ریزند و در مهمانخانه های جلال جهان به نوشخواری و عیاشی مشغولند، خود شاخه عربی صهیونیسم هستند. شیوخ و سلاطینی که اکنون صندوق دلارهای نفتی خود را نذر سرکوبی هر جنبش نهضت رهایی بخش آسیا و آفریقا کرده اند، قبل از هر چیز از شکل گیری و نفوذ انقلاب فلسطین وحشت دارند. و در اینجاست که صهیونیسم و امپریالیسم جهانخور و عربین اشرافی، و یا اشرافیت نفتی عربی به یکدیگر مربوط می شوند و در مخرج مشترکی از سرناشتگی فرار می گیرند.

اگر از این نقطه نظر به انقلاب فلسطین نگاه کند انگاه شکوه و صلابت حماسه ای یک ملت کوچک را درمی یابید، ملتی که با خون زنده و جوشان خود، به موجودیت خود «در این گرداب های توطئه ها و بی غیرتی های اشرافیت نفتی عربی» مایه می دهد و این گیاه لطیف و شکننده را بازورتر می سازد. ملتی که از حریت تحمیلی خود بعنوان آواره، یک شخصیت اصیل انقلابی بوجود آورد و همچنان همراه با تمام نامردی ها و نامردمی ها و توطئه ها از کانون سه شاخه توطئه، تمام هسته زندگی خود را به میدان نبردی سهمگین تبدیل کرده است.

به این دلیل است که باید این کتاب و همه نوشته های مربوط به فلسطین و انقلاب فلسطین را مطالعه کرد.

این مطالعه یک تفنن و سرگرمی بر سبیل افزودن بر آگاهی نیست بلکه یک وظیفه است؛ یک مسئولیت و تعهد انسانی. زندگی و سرگذشت فلسطین و فلسطینی ها را همه باید بخوانند و این وظیفه خانواده های ایرانی است که هنگامی که فرزندان شان کتاب های مصور و قصه های کودکان را بدست گرفتند و ورق زدند، داستان فاجعه

فلسطین و حماسه فلسطینی‌ها را بگوش آنان بخوانند؛ زیرا داستان آنها اکنون از مرز پیروزی و شکست در گذشته و خصلت و تراژدی آن، سرنوشت ما را نیز در بر گرفته است؛ چه کسی می‌تواند بگوید که در این سوی مدیترانه و در امتداد دریای سوزانی که به سوی شرق دامن می‌کشد در این تراژدی شریک نیست؟ اگر مردم فلسطین نبودند، صهیونیسم، مهمان ناخوانده بر سفره رنگین خاورمیانه به جای صاحب‌خانه می‌نشست، صهیونیسم به تصور خود با کوله‌بار سنگینی از میراث تاریخی بدنبال یک هویت جغرافیایی بود و آن را نیز از برکت قدرتهای بزرگ و بی‌غیرتی اشرافیت نفتی عرب بدست آورد. اما حماسه مردم فلسطین و خون‌های پاک و شرف آنان این افسانه را بر باد داد؛ ثابت برد که اسطوره تاریخی صهیونیسم، وقتی نقاب از چهره برگیرد چیزی جز یک دولت سفاک و نژادپرست و متجاوز قرن بیستمی نیست؛ تاریخی از جنایت و خون‌ریزی است که با استفاده از نامردانه‌ترین شیوه‌های سیاسی بر زمینه جغرافیا جعل شده. از این میان چیزی بنام دولت اسرائیل بوجود آمده است.

در صحیفی که گذشت شمه‌ای از حقایق این جعل آشکار بیان شد (که در صفحات پیش رو تفصیل آنرا ذکر خواهیم کرد). نه فقط مردم فلسطین، بلکه همه ما مردم منطقه اکنون در میان چنین معجونی از دروغ و جنایت و غارت زندگی می‌کنیم همه ما حلقه‌های یک زنجیریم؛ آیا می‌توان در سلسله رابطه‌ای این‌چنین بجز از یکدیگر غافل بود.

همه‌ی ما قربانی خشونت یک مرکز جهانی غارت و اسارت هستیم، مرکزی که با همه اختلافات در مسلک و مشرب، در یک چیز اتفاق نظر دارند و آن غارت مردمی است که بر سر ذخایر سرشار نفتی باید گرسنه و محروم زندگی کنند.

اما باید دانست این فرزند حرامزاده غرب با همه شرایط مساعدی که برای خود فراهم آورده است، در افق‌های تاریخ آینده‌ای ندارد؛ زیرا نظام سیاسی اسرائیل از درون خود در تاروپودی از خشونت و برتری نژادی گرفتار است؛ اسرائیل در درون جامعه یهودی نیز به فواصل شکننده و ویران‌کننده‌ای مبتلاست؛ یهودی‌اشکنازی و یهودی سفارادین (که همیشه در مقابل هم بوده‌اند)، یهودیان عقب مانده و یهودیان متمدن

که از نقاط مختلف جهان در یکجا جمع شده‌اند، در کنار هم و رو در روی هم زندگی می‌کنند.

ساخت ظاهری اسرائیل با پوششی از دموکراسی و قواعد بازی آن تزیین شده است اما در باطن آن، حکومتی بر اساس تجاوز و تبعیض نژادی و خشونت وجود دارد؛ صهیونیسم محکوم است که دائم در حالت جنگ زندگی کند؛ مدام بر میزان کیفی و کمّی، سلاحهای خود بیفزاید؛ همچون دزدی که مال مسروقه را بدوش میکشد دائم به دور و اطراف خود نگاه کند؛ از هر حرکتی وحشت زده و از جای برجهد؛ سعی کند که هرگز خواب بر او غلبه نکند؛ صهیونیسم از اسرائیل یک چنین موجودی ساخته است، زیرا اسرائیل از اساس مخلوق یک موضعه و تبانی قدرتهاست و به قیمت نابودی زندگی صد هزار مردم فلسطین به وجود آمده است.

خونی که در سرزمین فلسطین بدست صهیونیسم ریخته می‌شود بخشی از وجود ماست. بر ماست که نداریم، خون پایمال شود؛ سهم ما در این جهاد مبارزه است. صهیونیسم فقط دشمن ایران، خاوران فلسطینی نیست بلکه دشمن ما نیز هست؛ دشمن را بشناسیم و بیاری راداران و خواهران مجاهد خود بشتابیم^۱...

^۱ برگرفته از قلم علی اصغر حاج سید جوادی